

## نقد و بررسی روش هرشفلد در تاریخ گذاری قرآن

دکتر ابراهیم اقبال<sup>۱</sup>

محمد علی حیدری مزرعه آخوند<sup>۲</sup>

### چکیده:

یکی از اموری که به شناخت درست و دقیق قرآن و ترجیح آراء برتر و مردود ساختن اقوال دیگر کمک می کند، تاریخ گذاری سوره ها و آیه های قرآن کریم است. در تعیین تاریخ نزول سوره ها و آیه های قرآن کریم دو مبنای نقلی و اجتهادی وجود دارد، مبانی نقلی شامل روایات ترتیب نزول، اسباب نزول و مکی و مدنی و مبانی اجتهادی شامل وجود ضوابط و خصائص سور مکی و مدنی و توجه به سبک و اسلوب و مضمون سوره هاست، در این میان هرشفلد بدون توجه به مبانی نقلی و ضوابط و خصائص سور مکی و مدنی و سبک و اسلوب آن ها و تنها با تکیه بر روش موضوعی، تاریخ نزول سوره های قرآن کریم را مشخص نموده است، در این گفتار ضمن معرفی روش وی، به بیان اشکال های کبروی و صغروی این روش پرداخته می شود و با مقایسه ی ترتیب نزول برخی از سوره های ارائه شده توسط وی با ترتیب های روانی، اثبات می گردد که این روش به تنهایی نمی تواند روشی جامع در تاریخ گذاری سوره های قرآن کریم باشد.

کلید واژه ها: قرآن، تاریخ گذاری، ترتیب نزول، هرشفلد، روش موضوعی

### ۱- مقدمه

تاریخ گذاری قرآن (به معنای تعیین محدوده ی زمانی نزول سوره ها و یا بخش هایی از یک سوره) هر چند عنوانی جدید در تحقیقات قرآنی است، اما علوم زیر بنائی آن همچون ترتیب نزول سورها، اسباب نزول و خصوصاً مکی و مدنی، از صدر اسلام وجود داشته است؛ این امر بر مبانی و منابعی استوار است که مهم ترین آن ها، توجه به روایت های ترتیب نزول، مکی و مدنی، اسباب نزول، اقوال تاریخی و توجه به ضوابط و خصائص سور مکی و مدنی است. مفسران و محققان با روش های گوناگون به این امر پرداخته اند؛ عده ای تنها با استفاده از روایت های ترتیب نزول (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۱۸/ دروزه، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۷) و برخی با اصل قرار دادن آن روایت ها و توجه بیش از حد به روایت های تاریخی و اسباب نزول، تاریخ نزول سوره های قرآن را مشخص کرده اند (ملاحویش، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۴). برخی بدون در نظر گرفتن مبانی نقلی و اصل قرار دادن مبانی اجتهادی، نظیر سیاق آیات و سبک و اسلوب سوره ها و محتوای وحی، به این امر اقدام کرده اند؛ علامه طباطبائی با بی اعتبار دانستن روایت های ترتیب نزول و نقد روایت های اسباب نزول و تکیه بر سیاق آیات و سبک و محتوای سوره ها، تاریخ نزول سوره ها را مشخص نموده است (طباطبائی، ۱۳۵۳، ص ۱۸۶). مرحوم

<sup>۱</sup> - استادیار دانشگاه تهران - eeghbal@ut.ac.ir :تلفن: ۰۹۱۲۳۱۲۷۳۲۴

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری دانشگاه تهران - mohamadali\_heydari@yahoo.com.au :تلفن: ۰۹۱۲۴۳۳۸۷۴۰

بازرگان نیز با بی توجّهی به روایت های ترتیب نزول و اصل قرار دادن داده های آماری و بلندی و کوتاهی آیه ها، و ارائه اصطلاحاتی نظیر طول متوسط آیه، طول غالب، ارتفاع، دامنه و طول مبنا و با در نظر گرفتن اعداد و ارقام استخراج شده از آیه های هر سوره و کلمات هر آیه، تاریخ نزول آن ها را مشخص کرده است (بازرگان، ۱۳۳۶، ج ۱، صص ۹-۸۹)؛ هرفشلفد نیز بدون توجه به مبانی نقلی و تنها با تکیه بر مضمون و محتوای سوره ها سوره های قرآن را به موضوعات گوناگون در دو دوره ی مکّه و مدینه تقسیم نموده و تاریخ نزولی برای آن ها مشخص کرده است. حال جای این سوال باقی است که آیا بدون توجّه به مبانی نقلی، خصوصاً روایت های ترتیب نزول و تکیه بر روش موضوعی، می توان تاریخ نزول سوره های قرآن کریم را مشخص نمود؟ و بهترین روش در تاریخ گذاری قرآن کریم چیست؟ پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال هاست.

## ۲- معرفی روش هرفشلفد

هرفشلفد با نفی قرآنیّت سوره علق و بیانیه خواندن آن (هرفشلفد، ۱۹۰۲، ص ۱۸)، تاریخ نزول سوره های مکی را بر اساس مضامین و محتویات آن ها به ترتیب به وحی های تصدیقی - اثباتی، خطابه‌ای - موعظه‌ای، داستانی، توصیفی و تشریحی و سوره های مدنی را به وحی های مدنی تا زمان جنگ بدر، وحی هایی مربوط به بیانات سیاسی پیامبر (ص)، وحی های مربوط به امور شخصی پیامبر (ص) و وحی های مربوط به حج و تجدید بیعت تقسیم نموده است در ادامه به ذکر و نقد و بررسی موضوع های ارائه شده توسط وی پرداخته می شود:

### ۲-۱- وحی های مکی

سوره های اثباتی، سوره هایی هستند که در آن ها مباحثی عقیدتی از قبیل توحید و نبوت ذکر شده است و از نظر هرفشلفد این مباحث از جهت زمان نزول بر مباحثی نظیر موعظه‌ای، داستانی، توصیفی و تشریحی مقدم هستند و از نخستین واحد های نزول، به شمار می روند؛ اوّلین سوره ی نازل شده با موضوع اثباتی سوره ی اعلی و پس از آن سوره ی قلم است (همو، ص ۳۴)، زیرا در این دو سوره نخستین اصل اعتقادی ایمان به پروردگار ذکر و تکرار شده است و پس از آن سوره ی اخلاص است؛ در این سوره نیز از اصل توحید سخن به میان آمده است و پس از آن سوره های قلم، مزمل، مدثر، حاقّه، شعراء، طور و شرح نازل شده اند، زیرا پیامبر به منظور اثبات نبوت و بعثت خویش ناچار بود قوم خود را متقاعد سازد که او شاعر، مجنون، کاهن و یا دروغگو نیست، زیرا آن ها اتهام شاعر بودن را مطرح می کردند؛ محمد (ص) به خاطر دور ماندن از این اتهام می کوشید که در بیان سخنانش از هرگونه تقلید و الگوبرداری از کلام شاعران خودداری ورزد، ولی با توجّه به شناخت گسترده‌ای که از ویژگی های اشعار آنان داشت، برای او تا حدودی دشوار بود که از سبک آنها احتراز نماید. به طور مثال، در آیات متعددی از قرآن عبارت «فَدْرَنی» به معنای «مرا تنها واگذار» به کار رفته است، از کاربرد این تعبیر در آیات قرآنی، می توان تا حدودی تاریخ نزول آنها را تعیین نمود، این تعبیر که شباهت بسیار زیادی به اشعار مشرکان دارد، لااقل سه بار در نخستین واحدهای نزول وحی به کار رفته است: در آیه ۴۴/ قلم، ۱۱/ مزمل و ۱۱/

مدثر؛ پیامبر (ص) به منظور رفع اتهام از شعر و کهنات بودن قرآن، گوید: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» (حاقه/ ۴۰-۴۲)؛ آیات ۲۲۱ تا آخر سوره ی شعراء نیز به همین دوره مربوط می شود که در ضمن آن انتقاد شدیدی علیه شاعران مطرح شده است که به گفته های خود عمل نمی کنند. پیامبر (ص) در مقام ردّ اتهام کهنات گفت: «فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبِعُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ» (طور/ ۲۹-۳۰) پاسخ های پیامبر (ص) می تواند به منزله معیاری برای تعیین تاریخ نزول برخی از آیات و سور مطرح شود (همو، ص ۳۷). پیامبر پس از شنیدن آیات نخستین سوره ی علق هیجان زده شده بود و هنگامی که به حالت طبیعی بازگشت، خود را چنان با نشاط یافت که ناگهان آیتی از سوره ی مدثر را بر زبان جاری کرد، و زمانی که به یاد برخی دشمنان و مخالفان رو به فرونی اش افتاد، با آیتی از سوره ی شرح خود را دلداری داد (همو، صص ۳۸-۳۹). هرشفلد سوره های انسان، مسد، همزه، نازعات، نجم، ضحی و کافرون را به ترتیب جزو سورات اثباتی معرفی می کند (همو، صص ۴۰-۴۶).

آن دسته از آیات و سوره هایی را که بیشتر ماهیت اخلاقی و پند و اندرز دارد، و در مورد روز قیامت و احوال آن است، از نظر هرشفلد موعظه ای هستند و تاریخ نزول این سوره ها بعد از سوره های اثباتی است، یکی از بارزترین سوره های این دوران، سوره ی تکویر است، این سوره از دو بخش تشکیل شده که طول و اندازه آنها نابرابر است، گرچه همه آیات از آهنگی موزون و حالتی موعظه ای برخوردارند، اما ساختار هنری این سوره نشان دهنده آن است که چنین سخنانی نمی تواند هیجان و احساس غیر اختیاری پیامبر باشد» (همو، ص ۴۷) پیامبر خود چنان از سوره ی تکویر شاد و خرسند شده بود که پس از اندک مدتی تلاش نمود سوره ی دیگری نظیر آن ارائه دهد و آن سوره ی انفطار بود، که البته از جذابیت کمتری نسبت به سوره ی قبلی برخوردار است. در این سوره در آیه ی ۱۵ و ۱۸ دو بار نام روز قیامت برده می شود و در آیه ی ۱۹ به گونه مشروح تری مطرح می گردد (همو، صص ۴۹-۵۲) سوره ی انشقاق نیز نظیر سوره ی تکویر است. هر دو دارای سبک و محتوای مشابه یکدیگرند و بی آنکه نام روز قیامت را ذکر کنند، به تبیین آن روز می پردازند، سوره ی زلزله به همین موضوع اختصاص دارد، ولی کیفیت آن ضعیف تر است، یعنی توضیح قیامت در این سوره، شور و حرارت لازم را ندارد؛ اگر چه دوبار به آن روز اشاره می کند (همو، ص ۵۳)، سبک دیگری از خطابه ها در این دوران وجود دارد که همواره در آن ها آسمان و زمین و مخلوقات آسمانی و زمینی مورد سوگند قرار می گیرند، یکی از بهترین نمونه ها سوره ی طارق است، که مشتمل بر عبارت اعجاب برانگیز می باشد (همو، ص ۵۴)، سوره ی معارج را نیز می توان در همین دسته جای داد، چرا که در کل به بیان تصاویری از روز قیامت اختصاص یافته است، این سوره نیز مانند سوره های عادیات، قارعه، قریش، ماعون و کوثر که آیات کوتاه تری دارند، همگی متعلق به این دوران هستند، در سوره ی شمس پیامبر (ص) قوم ثمود را به عنوان موضوعی برای پند و عبرت گرفتن مطرح کرد که هشدارهایش را به مسخره گرفتند، و از این رو دچار عذاب سنگینی شدند؛ به مرور زمان پیامبر به مرحله ای رسیده که دیگر موضوعی برای سوگند یاد کردن ندارد، با این وجود این سوره را باید به جهت آیات نخستین آن در شمار سوره های خطابه ای دانست. وی سوره ی فیل و تکاثر را نیز مربوط به همین دوران می داند، در حالی که بیان می کند که سوره ی تکاثر به جهت کوتاهی آن هیچ نشانه ای از سوره های خطابه ای ندارد. در سوره ی فجر نیز نشانه های وحی داستانی به صورت آشکارتری نمایان است، اگر

چه آغاز آن به طور کامل از ویژگی سور خطابه ای برخوردار است، همچنین سوره ی بروج از این خصوصیت برخوردار است؛ آیه های ۴-۸ این سوره مربوط به اصحاب اُحدود است و آیه های ۱۲-۲۲ مربوط به یک تاریخ است و آیه های ۹-۱۱ به تاریخ متأخرتری تعلق دارد» (همو، ص ۵۸). همچنین سوره های عصر، تین، جن، بینه، قدر، لیل، بلد، نبأ، واقعه، مرسلات، نازعات، غاشیه، حاقه، طور، مطففین، قیامت و عبس مربوط به این دوران هستند. (همو، ص ۱۴۳)

منظور از آیات و سور داستانی، آن دسته از سوره ها و آیاتی هستند که قصص انبیاء و امت های گذشته را بیان می کنند، این آیات و سور از جهت نزول بعد از سوره های اثباتی و موعظه ای قرار دارند، این سوره ها به دو دسته تقسیم می شوند، برخی از آنها تعدادی از انبیاء را نام می برند و به هر یک از آنها چند آیه را اختصاص می دهند، در حالی که دسته ی دیگر از سوره ها یک یا دو پیامبر را ذکر می نماید و به طور مفصل تری قصه ی آن ها را نقل می کنند، گر چه شرح حال کاملشان را بیان نمی کنند، بلکه یکی دو بخش از زندگی شان را شرح می دهند و بقیه را به قسمت های دیگری از قرآن واگذار می کنند. بدین ترتیب، گاهی بخش های گسترده تری از زندگی پیامبران همچون ابراهیم، موسی و عیسی (ع) در سرتاسر قرآن پراکنده شده است. این که حجم بیشتر سوره های داستانی مربوط به وحی دوران مکی است، بیانگر این نکته است که پیامبرانی که نام برده شدند، کسانی بودند که بیشترین تأثیر را بر دیدگاه های کلامی پیامبر (ص) داشتند، بیشتر از همه موسی (ع) بود که در حدود بیست بار نام او برده شده است. سپس ابراهیم (ع) پانزده بار و نوح و لوط و شعیب (ع) هر کدام هفت تا ده بار ذکر شده اند (همو، ص ۶۲). نخستین وحیی که آشکارا ویژگی داستانی دارد، سوره ی ذاریات است، ابتدای این سوره یاد آور نمونه ی جالبی از دوره ی وحی خطابه ای است، سپس با بیان مختصری از عذاب های دوزخ و نعمت های بهشتی ادامه می یابد، سپس گزارش کوتاهی از شرارت های فرعون، قوم عاد، ثمود و نوح (ع) را ذکر می کند (همو، ص ۶۰). از دیگر سوره های داستانی، سوره ی قمر است که با یکی از نشانه های وحی دوران خطابه ای و موعظه ای آغاز می گردد، به دنبال آن قصه ی قوم نوح، عاد و ثمود را ذکر می کند. گناه و کیفر ثمود به صورت دقیق تری بیان می شود. داستان ها به دو بخش تقسیم می شوند که در پایان هر یک از آنها این دو آیه ذکر می گردد: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْرِكٍ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي» (قمر/ ۱۷-۱۸) بعد از آن سوره ی صافات است که با یک مقدمه ی کاملاً خطابه ای آغاز می شود، تا آنکه یگانگی خدا را مورد تأیید قرار دهد، پس از این مقدمه ی موعظه ای، قسمت اصلی سخن با ویژگی داستانی ادامه می یابد، ابتدا جریان نوح (ع) به صورت مختصر مطرح شده، آن گاه ماجرای ابراهیم (ع) و بت های پدرش شرح داده می شود (همو، ص ۶۳). سوره ای دیگر که از ساختار مشابه برخوردار است، سوره ی دخان است که در آن داستان فرعون را بازگو می کند، همچنین می توان به سوره ی ص، نمل، قصص، یوسف، مریم، انبیاء، ابراهیم و هود اشاره کرد، که به ذکر داستان های انبیاء پرداخته اند (همو، صص ۶۳-۶۹) سوره های دیگری همچون سبأ، اعراف، اسراء، مزمل، غافر، عنکبوت و یونس نیز هستند، اما بعد داستانی در این سوره ها کاهش چشم گیری دارد (همو، ص ۶۹) در ادامه می افزاید برخی وحی هایی که بدون تردید مکی بوده اند به دست گردآورندگان در میان سوره های مدنی درج شده اند، مانند آیات ۲۰۰-۲۰۱ بقره، بدون آن که به شخص خاصی اشاره داشته باشد و نیز مانند آیات ۲۳-۲۸ و ۱۰۹-۱۲۰ مائده و ۲۱-۳۶ احقاف که در باره ی قوم عاد و موسی (ع) است (همو، ص ۷۱) در دوران نزول وحی

داستانی بود که سوره ی کوتاهی به نام فاتحه نازل گردید، این سوره از آیاتی تشکیل شده است که بارها در وحی های متعلق به این دوران به کار رفته است و پیامبر آن ها را انتخاب کرده تا دعایی کوتاه تشکیل شود، برای مثال آیه ی «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد / ۱) در آغاز سوره های کهف، سبأ، فاطر و نیز در آیه ۵۹ سوره نمل و آیات پنجم تا ششم سوره ی فاتحه در آیه ی ۴۳ سوره ی زخرف و آیه ی ۵۶ سوره ی هود به کار رفته است (همان).

پس از اتمام نزول سوره های داستانی، نوبت به نزول دسته ی دیگر از سوره ها می رسد که به وصف پدیده های طبیعت می پردازد، ویژگی توصیفی در قرآن تقریباً به همان اوایل وحی برمی گردد؛ گرچه این ویژگی تا اواخر دوران وحی موعظه ای به طور خاص قابل توجه نبود؛ در دوران وحی داستانی، هنگامی که سبک و شیوه پیامبر جذائیت خود را از دست داده بود، این ویژگی بگونه ی برجسته تری نمود یافت؛ ترسیم خطی جدا و سازنده بین وحی توصیفی از وحی های پیشین کاری ناممکن است، زیرا بسیاری از آیاتی که واجد این ویژگی هستند، در میان سور داستانی پخش شده اند. با وجود این، وحی هایی که به وصف طبیعت و مواهب آن به عنوان مهم ترین موضوع پرداخته اند، یقیناً در زمان های متأخری نازل شده اند. قدیمی ترین آیات توصیفی در یک سوره ی موعظه ای یعنی در آیات ۲۴ تا ۳۲ سوره ی عبس به کار رفته اند: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا... مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ» و نیز در آیات بیست و پنجم تا بیست و هفتم سوره ی مرسلات: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِي...» و مانند بخش اخیر سوره ی نازعات که به وصف آسمان، زمین، شب، سحر، آب، مراتع، انسان و چهارپایان می پردازد (همو، ص ۷۲) سوره ی نوح مشتمل بر وصف نسبتاً اصیلی از طبیعت است که پیامبر، آن را به نوح (ع) منسوب نموده است، صرف نظر از قسمت آغازین آن که داستان است، بخش عمده ی سوره بیانگر دعایی است که نوح در ضمن آن تلاش های ناموفق خویش را در جهت ایمان آوردن مردم به خدا بیان می کند (همو، ص ۷۳) سوره ی دیگری که آیات الهی از قبیل زمین، حرکت شب و روز، باد، آمدن غذا از آسمان و جز این ها را بیان کرده سوره ی جاثیه است، تقریباً هم زمان با این سوره، سوره ی شوری نازل می گردد که در آیات ۷-۱۰ و ۳۷-۴۰ آن اشاراتی به بهشت و جهنم آمده است، سوره ی فاطر ویژگی توصیفی خاصی دارد و با عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» آغاز می شود؛ همچنین موضوع های شبیه به آن در سوره های سجده، ملک و فرقان آمده است. سوره ی نحل اوج وحی های توصیفی است. وی سوره های رعد، یونس، لقمان، زمر، روم، یس، فلق و ناس و آیات ۱۵۸-۱۶۲ بقره ۱-۱۳ و ۶۲-۷۱ سوره ی حج را در ردیف سوره های توصیفی قرار می دهد (همو، ص ۱۴۳، ۷۴-۷۸).

آخرین واحد نزول در مکه وحی های تشریحی است، وحی های حقوقی به آن آیاتی از وحی های مکی اطلاق می شود که جنبه ی عبرت انگیزی دارند و عمدتاً بر حسب جایگاهی که در قرآن به خود اختصاص داده اند مورد بحث قرار می گیرند. همان گونه که عهد قدیم (تورات) قوانینی را بر حسب نیازها و مقتضیات بنی اسرائیل تشریح نمود، قرآن کریم نیز برای مؤمنان یک منبع اساسی متشکل از امور اخلاقی، آیین عبادی و امور قضایی و حقوقی به شمار می رود. آیات حقوقی در ابتدا به صورت خیلی کوتاه ارائه می شدند، مانند آیات ۹ تا ۱۱ سوره ی ضحی: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (همو، ص ۷۹). همچنین می توان به آیه های ۶۴-۷۲ از سوره ی فرقان که در مورد آداب نماز

خواندن و آیه های ۱۱-۱۸ از سوره ی لقمان که در مورد احترام به والدین است اشاره کرد (همو، ص ۸۰). نوع دیگر، پند و اندرزهایی است که به بشریت به صورت عام خطاب می شود؛ این نوع بیان در قالب آیات ۲۹ تا ۵۵ سوره ی اعراف مشاهده می شود که ابتدا مقرراتی را در مورد مکانهای عبادت ذکر می کند. در میان وحی های حقوقی، کمتر موردی را می توان یافت که لزوم احترام به والدین مطرح نشده باشد و حتی این مسئله، محور اصلی بحث در آیات اول تا دوازدهم سوره ی عنکبوت و آیات اول تا نوزدهم سوره ی احقاف را تشکیل می دهد (همو، ۱۴۳، ص ۸۱).

## ۲-۲- وحی های مدنی:

آیات سوره بقره که در این سوره با تعبیر «یسئلونک» آغاز می شوند، تاریخ نزول معین و روشنی دارد، یکی از آن موارد اشاره دارد به تهاجم عبدالله بن جحش که به دستور پیامبر دو ماه قبل از جنگ بدر انجام گرفت و تا اواخر ماه رجب طول کشید (همو، ص ۱۱۰) تاریخ نزول سوره ی انفال زمان وقوع جنگ بدر است که در همین رابطه در این سوره حکم و جوب یک پنجم مال به عنوان خمس تعیین می شود و بخش دیگر این سوره مربوط به لشکر کشی علیه بنو قینقاع است و تاریخ نزول آل عمران پس از نزول سوره ی انفال است، زیرا بخش ابتدایی این سوره درباره یهودیانی است که پیامبر می خواست با گفتگو بر آن ها غلبه کند و تاریخ نزول آن به قبل از اخراج بنو قینقاع باز می گردد (همو، ص ۱۱۲) و بخش انتهایی سوره ی آل عمران مربوط به سال سوم هجرت و در زمان جنگ احد است، زیرا شکستی که لشکر اسلام در سال سوم پس از هجرت در جنگ احد متحمل شد، موجب پیدایش اختلافی موقتی در زمینه محکومیت و مغلوبیت همیشگی یهود گردید و در همین زمان بود که بخش دوم سوره آل عمران نازل شد (همان) سوره ی حدید و حشر مربوط به اخراج قوم بنی نضیر است و به آن علت نازل شده است (همو، ص ۱۱۶) نزول سوره ی نور در جهت اثبات بی گناهی عایشه از تهمت زنا است که در خلال جریان لشکر کشی علیه بنی مصطلق اتفاق افتاده بود و این حادثه مربوط به سال ششم هجرت است (همو، ص ۱۲۲) سوره ی تحریم نیز در سال هفتم هجرت نازل شده است و علت آن داستان حفصه با ماریه همسر پیامبر (ص) است، لشکر کشی علیه بنی مصطلق زمینه ی نزول سوره ی منافقون را فراهم آورد و در جریانی دیگر زنی علیه همسرش شکایت کرد و در اثر همین شکایت سوره ی مجادله نازل گردید (همو، ص ۱۲۳)، پس از شکست در جنگ احد، مسلمانان به پیروزی های متعددی دست یافتند و همه یهودیان مدینه را دفع کردند، در این جا قدرت محمد به اوج خود رسید، او می خواست انجام مراسم صلح آمیز حج را در کعبه پیشنهاد کند و در صدد بود که این درخواست را با احتیاط مطرح کند، در این هنگام سوره ی حج نازل شد (همو، ص ۱۲۵) و هنگامی که پیامبر نقشه ی تسخیر مکه را کشیده بود و این نقشه از سوی یک جاسوس آشکار شد، سوره ی ممتحنه و پس از آن سوره ی فتح نازل شد که تسخیر مکه را به عنوان یک پیروزی آشکار و مهم مطرح ساخت (همو، ص ۱۲۷) آن گاه سوره ی نصر که فشرده مطالب سوره ی فتح به شمار می آید، نازل شد (همو، ص ۱۲۸) و تاریخ نزول قسمتی از سوره ی توبه به پس از لشکر کشی مسلمانان به تبوک باز می گردد (همو، ص ۱۳۱).

## ۳- تحلیل و نقد روش هرشفلد

روش موضوعی ارائه شده توسط هرشفلد در تاریخ گذاری آیات و سور قرآن کریم اگر چه تا حدودی می تواند در تاریخ گذاری قرآن مفید باشد، اما به تنهایی کارآیی لازم را ندارد، نقد این روش با دو اشکال کبروی و صغروی پی گرفته می شود:

### ۳-۱- اشکالات کبروی (مبنایی)

منظور از اشکالات کبروی، اشکال هایی است که روش تاریخ گذاری را تحت تأثیر قرار می دهد؛ توجه نکردن به روایت های ترتیب نزول و روش های نقلی- تاریخی و بشری جلوه دادن قرآن، از جمله ی مهمترین اشکال های مبنایی روش هرشفلد در تاریخ گذاری قرآن است، در ادامه به بررسی هر یک پرداخته می شود:

#### ۳-۱-۱- توجه نکردن به مبانی نقلی- روایی

تعیین تاریخ نزول آیات و سور قرآن کریم، موضوعی تاریخی است، مبنا و روش تحقیق آن، استناد به ادله ی تاریخی، روایات معتبر و در برخی مواضع توجه به مضامین آیات و سور است، بدون توجه به روش ها و ادله ی نقلی و تاریخی، تاریخ گذاری قرآن امکان پذیر نیست، هرشفلد بدون توجه به روایت های ترتیب نزول و روش های نقلی و صرفاً با تکیه بر روش موضوعی ابدائی از جانب خویش، تاریخ آیات و سور را مشخص نموده است، این در حالی است که ترتیب ارائه شده از وی با ترتیب روایی- نقلی بسیار فاصله دارد، اشکال اساسی تر بر اصل مبنای او وارد است که سیر نزول سوره های مکی را بر حسب ترتیب به سور اثباتی، موعظه ای، داستانی، توصیفی و سور تشریحی معرفی کرده است، حال آن که این نحوه ی چینش و سیر نزول وحی قرآنی، پرسش های مهم و جدی را مطرح می سازد که در پژوهش هرشفلد پاسخ هیچ یک از آنها روشن نشده است. اساساً به چه دلیل باید ابتدا سوره های اثباتی و سپس موعظه ای و سوره های دیگر نازل شود؟ چگونه سوره های قرآن با تنوع مضامین و موضوعاتی که دارند، قابل دسته بندی به صورت های مذکورند؟ چه دلیل عقلی و نقلی آن را پشتیبانی می کند؟ وی سوره ی انسان را مربوط به وحی های اثباتی- تصدیقی دانسته و نزول آن را بعد از سوره ی مزمل در دوران ابتدایی مکه به عنوان هفتمین سوره دانسته است (همو، صص ۳۴-۹۰) در حالی که بر اساس روایت های ترتیب نزول این سوره از جمله سوره های نازل شده در دوران میانی مدینه به عنوان نود و هشتمین سوره گزارش شده است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱/ صص ۵۹-۶۰ / ابن ضریس، ۱۴۰۸، صص ۳۳-۳۴) سوره ی اعلی را اولین سوره ی مکی معرفی کرده است (هرشفلد، ۱۹۲۰، ص ۳۵) و حال آنکه براساس روایات اسلامی این سوره هشتمین سوره ی نازل شده پس از تکویر و قبل از لیل است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱/ صص ۵۹-۶۰ / ابن ضریس، ۱۴۰۸، صص ۳۳-۳۴). سوره ی زلزله در قسمت سوره های موعظه ای در دوران مکه به عنوان هفدهمین سوره قرار گرفته، در حالی بر اساس روش نقلی و روایت های ترتیب نزول این سوره در مدینه به عنوان نود و سومین سوره نازل شده در دوران مدینه قرار گرفته است، سوره ی فاتحه به عنوان شصت و هفتمین سوره در قسمت سوره های داستانی قرار گرفته است، در حالی که به اتفاق نظر تمام دانشمندان اسلامی این سوره از اولین سوره های نازل شده بر پیامبر در مکه است، زیرا با توجه به حدیث «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۵۸) نمی توان تصوّر کرد که تا زمان نزول سوره ی فاتحه (در ذیل سوره های داستانی) پیامبر نماز نمی خوانده است. سوره ی حج در بخش سوره های توصیفی در دوران

مکه قرار گرفته در حالی که بر اساس روایت های ترتیب نزول این سوره یکصد و چهارمین سوره ی نازل شده در مدینه می باشد و موضوع های درونی سوره نیز گواه بر مدنی بودن آن است، سوره ی بینه به عنوان چهل و یکمین سوره در قسمت سوره های موعظه ای قرار گرفته در حالی که بر اساس روایت های ترتیب نزول این سوره به عنوان یک صدمین سوره در دوران مدینه گزارش شده است؛ سه سوره ی انفطار، انشقاق و مطففین در دوران ابتدایی مکه در قسمت سوره های موعظه ای قرار گرفته اند، در حالی که بر اساس روایت های ترتیب نزول این سه سوره از آخرین سوره های نازل شده در مکه می باشند (یعقوبی، ۱۴۲۲، ص ۳۳ / حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۰).

### ۳-۱-۲- بشری جلوه دادن قرآن

هرشفلد در بیان ترتیب نزول سوره های مدثر، مزمل و شعراء بر این نظر است که پیامبر از سبک و محتوای سخنان کاهنان تاثیر پذیرفته و به همین دلیل در این دوران برخی از فرازهای قرآن شبیه سخنان آنان است، در حالی که قرآن نه ساخته پیامبر (ص) بلکه وحی از طرف خداوند است.

محققان و مفسران اسلامی منشأ وحی را یک نوع کلام آسمانی و غیبی می دانند که از راه فطرت و حس و تفکر عقلی و عادی و علوم غریب و غیر عادی بشر حاصل نمی شود، بلکه با شعور مرموز غیر از ابزارهای عادی و غیر بشری شناخت، درک می شود عهده داری این امر نیز نبوت نامیده می شود، وحی عبارت از اتصال به جهان غیب و دریافت اخبار غیبی و مشاهده ی حقایق و معارفی است که در تأمین حیات معقول انسانی مؤثر می باشد. مبدأ فاعلی وحی آسمانی، خداوند متعال و پیک وحی الهی، جبرئیل امین و مبدأ قابل وحی، قلب معصوم پیامبر (ص) است (آملی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۸) وحی تفهیم کلام خفی و سریع است که از جانب خداوند بر پیامبران القاء و انزال می شود و خداوند از آن به سخن گفتن خود با بشر تعبیر می کند و به طور مستقیم و با واسطه ی حجاب و یا با واسطه ی پیک، کلام خود را به بشر انزال می نماید چنانچه آیه زیر بر آن دلالت دارد: «وَمَا كَانَ لَبِشْرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بآذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ» (شوری/۵۱) در حقیقت وحی تشریحی از نظر ماهیت و حقیقت با سایر اقسام وحی مابینت ندارد، چیزی که هست در وحی تشریحی مسأله ی هدایت انسان ها به سوی مبدأ و معاد، به عنوان قید لازم اخذ گردیده است، بنابراین پیامبران گرچه از ابزار حسّی و عقل بهره می گیرند، ولی شریعت آنان معلول این دو نوع معرفت نیست، بلکه همگی مربوط به جهان بالاست که به امر الهی بر روح و روان آنان فرود می آید و در گرفتن وحی و ضبط و حفظ آن و یا ابلاغ و بیان آن کوچک ترین اشتباهی نمی کنند. در قرآن آیات بسیاری بر این نوع از وحی دلالت دارد. علاوه بر این مواردی نظیر اعجاز قرآن، تمایز ساختاری الفاظ قرآن و روایات نبوی، انتظار کشیدن برای دریافت وحی قرآن را از بشری بودن خارج ساخته که به بررسی هر یک پرداخته می شود:

### ۳-۱-۲-۱- اعجاز قرآن

قرآن کریم در آیات: وَ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره / ۲۳)، وَ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ (طور / ۳۴)، أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (هود / ۱۳)، أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ



اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (یونس / ۳۸). به تحدی با مخالفانش برخاسته است و در نهایت اعلام نموده که جنّ و انس هیچ گاه نتوانسته و نخواهند توانست همانند قرآن بیاورند. از صدر اسلام تا کنون که بیش از ۱۴ قرن از نزول قرآن گذشته، بسیاری از افراد تلاش کردند تا بتوانند با قرآن هموردی نمایند، اما کوشش هایشان ناکام مانده است و آنچه توسط عدّه ای گفته شده، از حیث لفظ و معنا فاصله فراوانی با بلندای قرآن دارد. اینکه قرآن اعلام می کند که بشر نمی تواند کلامی همانند قرآن بیاورد، خود اذعان به آن است که الفاظ قرآن جنبه بشری نداشته، بلکه منشاء الهی دارد و ذهن و زبان هیچ بشری در تدوین آن دخیل نبوده است. نکته قابل توجه اینکه آیات تحدی شامل خود پیامبر هم می شود، چرا که پیامبر هم جزء ابناء بشر است. به عبارت دیگر، وقتی قرآن می گوید که هیچ بشری نمی تواند مانند قرآن بیاورد، یعنی نه شما مردمان و نه حتی پیامبر قادر به آوردن کلامی بسان قرآن نیست و این، تأکید دو چندان بر الهی بودن قرآن است.

### ۳-۱-۲-۲- تمایز ساختاری الفاظ قرآن و روایات نبوی

تمایز آشکار ساختار ظاهری متن قرآن با سخنان و احادیث منقول از پیامبر (ص) بر هیچ سخن شناس ژرف کاوی پنهان نبوده و نیست و این دلیل دیگری بر وحیانی بودن الفاظ و عبارات قرآن کریم است. بسیاری از اعراب عصر پیامبر که سال ها با آن حضرت معاشرت نموده و با کلمات و سخنان وی آشنایی کامل داشتند، پس از شنیدن اولین آیات قرآن از زبان پیامبر، به تفاوت آن با سایر سخنان او اذعان نمودند. حال چگونه می توان چنین کلامی را حدیث نفّس و یا ناشی از نبوغ ذاتی دانست؟! قرآن نیز بر تمایز میان سخن پیامبر و آیات وحی صحّه گذاشته است. زرقانی در کتاب خویش با اشاره به این دلیل، تحت عنوان «اسلوب القرآن و اسلوب الحدیث النبوی» می نویسد: «اعراب عصر نزول، پیامبر را می شناختند و بر مقدار توان او در سخن گفتن، پیش از نزول وحی واقف بودند، به ذهن هیچ یک از افراد با انصاف آنان نیامد که بگوید: قرآن سخن محمد است؛ زیرا فرق های آشکاری بین قرآن و لغت پیامبر (ص) دیده می شد» (زرقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۳۵).

### ۳-۱-۲-۳- انتظار کشیدن برای دریافت وحی

انتظار کشیدن برای دریافت وحی یکی از روشن ترین دلیل هاست مبنی بر اینکه وحی میوه وجود پیامبر (ص) نبوده، بلکه امری است که از خارج بر روح و روان او عارض می شد. موارد متعددی از این انتظار در تاریخ اسلام به وقوع پیوست؛ مثلاً یهودیان به این بهانه که مسلمانان به سوی قبله آنان نماز می خواندند، مسلمانان را سرزنش می کردند و پیامبر الهی در این مورد انتظار داشت پاسخ قطعی از جانب خدا بشنود و پیوسته در انتظار وحی بود و رو به آسمان می کرد و روح و روانش با عالم بالا پیوند می خورد تا در این باره از طرف خدا وحی نازل شود. همچنین در سال هشتم بعثت، مشرکان قریش با یهود خیبر تماس گرفتند و چون آنها را دانایان شرایع پیشین می دانستند، از نبوت حضرت محمد (ص) سؤال کردند. آنان گفتند: سه مطلب را از او سؤال کنید. اگر پاسخی صحیح داد، آن نشانه نبوت اوست. سه سؤال آنان مربوط به اصحاب کهف و ذوالقرنین و روح بود. پیامبر گرامی (ص) در پاسخ به آنان در انتظار وحی نشست، نه اینکه فوراً به واسطه نبوغ و یا تجربیات شخصی و یا آنچه از فرهنگ زمانه خویش می دانست، درباره آنان سخن بگوید.

### ۳-۲- اشکالات صغروی

منظور از اشکالات صغروی، مجموعه اشکال های درونی موجود در این روش است، که بر فرض پذیرش این روش در تاریخ گذاری، نمی تواند روشی کامل باشد؛ اشکال هایی نظیر پیروی نکردن تقسیمات سوره ها از قواعد منطقی، تقسیم سوره ها بر موضوع های مطرح شده بدون تأییدیه نقلی-روائی و وجود چندین موضوع مطرح شده در یک سوره، از مهمترین اشکال های صغروی (درونی) این روش است، در ادامه به بررسی هر یک پرداخته می شود:

### ۳-۲-۱- پیروی نکردن تقسیمات از قواعد منطقی

در تقسیم بندی سوره ها بر موضوع های اثباتی، موعظه ای، داستانی، توصیفی و حقوقی یکسان عمل نشده و به روشی کاملاً ذوقی عمل شده است، هرشفلد سوره ضحی را دو قسم نموده و آیه های ۱-۸ را در بخش سوره های اثباتی و آیه های ۹-۱۱ را به دلیل عبارت «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (ضحی / ۹-۱۰) در بخش سوره های تشریحی قرار داده است، همچنین سوره قلم را به دو قسم تقسیم نموده و آیات ۱-۳۳ را در بخش سوره های اثباتی و آیات ۳۴-۵۲ را فقط به دلیل عبارت «وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ» (قلم / ۴۹) که مربوط به داستان حضرت یونس (ع) است (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۳۸۷)، در بخش سوره ها داستانی آورده است؛ در حالی که در مورد سوره ی شمس چنین عمل نکرده، زیرا در این سوره آیه های «كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا» (شمس / ۱۱-۱۵) به طور آشکارا مربوط به داستان حضرت صالح (ع) است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۹۹) اما وی، این سوره را فقط در بخش سوره های موعظه ای ذکر کرده است (هرشفلد، ۱۹۰۲، ص ۱۱۴) همچنین سوره ی بروج به دو بخش تقسیم شده و آیات ۱-۸ و ۱۲-۲۲ در بخش سوره های موعظه ای و آیات ۹-۱۱ که در بخش سوره های تشریحی قرار گرفته است (همان) در حالی که از این آیات هیچ قانون و تشریحی استنباط نمی شود؛ همچنین از آنجایی که در این سوره دو عبارت «أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» و «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ»، اشاره به داستان اصحاب اخدود و قوم فرعون و ثمود دارد، شایسته بود در ذیل سوره های داستانی قرار گیرد، در حالی که این سوره در ذیل دو بخش موعظه ای و تشریحی قرار گرفته است، سوره ی فیل که سراسر آن در مورد داستان ابرهه و ویران کردن کعبه است، (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۶۲) در بخش سوره های موعظه ای قرار گرفته، در حالی که با توجه به روش موضوعی هرشفلد می بایست، در بخش سوره های داستانی قرار گیرد. وی بر این نظر است که عبارت «فذرني» مربوط به وحی های اثباتی است و از وجود این عبارت در آیات و سور قرآنی می توان به تاریخ نزول آن ها پی برد (همو، ص ۳۷) و از این طریق دو سوره مزمل و ملئث که در بردارنده عبارت «فذرني» هستند، در ردیف سوره های اثباتی قرار داد، اما سوره ی قلم را که در بردارنده این عبارت است در قسمت سوره های داستانی قرار داده است (همو، ص ۱۴۳) شایان ذکر است که چون هرشفلد هیچ ملاک و معیار دقیقی را جهت تفکیک سوره های توصیفی و حقوقی و غیره از یکدیگر ذکر نکرده و در واقع هم، چنین ابزار و ملاکی وجود ندارد، در موارد متعددی خود دچار تردید شده است که

برخی از سوره‌ها را تحت چه عنوانی معرفی کند (اسکندرلو، ۱۳۸۵، ص ۸۹) به عنوان مثال، در موضعی ابتدا آیات سه‌گانه سوره ی ضحی را تحت عنوان آیات حقوقی نام می‌برد، ولی اضافه می‌کند که آیه ی اخیر، یعنی «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»، تداعی‌کننده وحی‌های توصیفی است. او این سوره را به لحاظ بیان و شرح نعمتهای الهی توصیفی بر شمرده است و حال آنکه براساس تفاسیر وارده درباره این آیه، پی می‌بریم که بسیاری از این نعمت‌ها که پیامبر (ص) از جانب پروردگار دریافت کرده بود، ربطی به امور و موضوعات طبیعی نداشته، بلکه جنبه معنوی و روحی مانند سعه صدر و نظیر آن را داشته است. در مورد سوره ی شمس که آن را سی و هشتمین سوره ی نازل شده در مکه دانسته است، ابتدا اظهار می‌دارد که با توجه به سوگندهایی که در آغاز سوره آمده، باید در زمره ی سور موعظه‌ای باشد، ولی پس از آن می‌افزاید از آنجا که داستان قوم ثمود در آن مطرح شده، می‌تواند در طبقه سور نقلی و داستانی شمرده شود و چون سرنوشت ثمودیان در مکه امری شناخته شده و معروف بوده، لذا به قدمت نزول حتمی این سوره پی می‌بریم. از این رو هرشفلد به صورت قطعی معین نمی‌کند که سرانجام، این سوره در طبقه سور موعظه‌ای می‌گنجد یا سوره‌های داستانی. همچنین در مورد سوره ی تکوین ابتدا با تردید بیان می‌کند که در زمره ی سور خطابه‌ای شمرده می‌شود؛ ولی بی‌درنگ می‌افزاید که کوتاهی این سوره هیچ نشانی از تعلق به سوره‌های خطابه‌ای که آنها را به دوران اوایل یا اواسط وحی مکی ربط می‌دهد، وجود ندارد. آری، همه این تردیدها و ظن و گمان‌ها نشان‌دهنده ی آن است که تاریخ نزول سوره‌ها را نمی‌توان براساس این گونه ویژگیهای صوری و حدسی تعیین نمود، بلکه باید به روایات ترتیب نزول مراجعه کرد. بر حسب داوری این روایات، سوره ی شمس بیست و ششمین و سوره ی تکوین شانزدهمین سوره‌های مکی گزارش شده اند. حال آنکه هرشفلد بر اساس مبانی خویش، اولی را سی و هفتمین و دومی را سی و نهمین سوره مکی معین نموده است.

### ۳-۲-۲- تقطیع سوره ها بدون توجه به رابطه ی لفظی و معنایی آن ها و تائیدیه روایی

هرشفلد به جهت رسیدن به هدف خاص خویش بسیاری از سوره های قرآن کریم را به دو بخش یا بیشتر تقسیم نموده است، در حالی که بسیاری از این بخش‌ها به هم پیوسته و متصل هستند و نمی‌توانند جدای از هم نازل شده باشند؛ مگر آن که روایت و یا نقلی صحیح آن را حمایت کند؛ سوره ی ضحی به دو قسم تقسیم شده و آیات ۱- ۸ آن در بخش سوره های اثباتی- اعتقادی و آیه‌های ۹- ۱۱ آن در بخش وحی های تشریحی قرار گرفته است؛ در حالی که بین آیه وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي (ضحی / ۸) و فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَر (ضحی / ۹) ارتباط معنایی است. وی بخش‌هایی از دو سوره ی مدنی بقره و مائده را، فقط به جهت ذکر داستان حضرت موسی و عیسی در قسمت وحی های داستانی و بخش‌هایی از سوره ی انفال و توبه را به جهت دارا بودن قوانین خمس و احکام شرعی در قسمت وحی های تشریحی و بخش‌هایی از سوره ی حج و بقره را به جهت توصیف صفا و مروه و توصیف روز قیامت و آسمان و زمین، در قسمت سوره های توصیفی در بخش سوره های مکی قرار داده است، در حالی که بر اساس روایت های ترتیب نزول و روش های نقلی این سوره‌ها از جمله سوره های مدنی هستند و محققان و مفسران هیچ کدام از آیه های فوق را جزء مستثنیات به حساب نیاورده اند (فائز، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱).

### ۳-۲-۳- جامع و مانع نبودن موضوع مطرح شده در یک سوره

روش موضوعی ارائه شده از جانب هرشفلد نمی تواند در تاریخ گذاری سوره های قرآن کریم کارآمد باشد، زیرا سوره های قرآن کریم به ترتیب بر مبنای موضوعات ارائه شده توسط وی طبقه بندی نشده اند و در بسیاری از سوره ها، دو یا چند موضوع های ارائه شده از جانب وی یافت می شود، سوره ی اعلی از دو بخش اساسی تشکیل شده است، در بخشی از این سوره روی سخن به شخص پیامبر (ص) است و دستورهایی را در زمینه ی تسبیح پروردگار و ادای رسالت به او می دهد، در بخش دوم نیز از مؤمنان فروتن و کافران شقی و عوامل سعادت و شقاوت این دو گروه سخن به میان آورده است، در این سوره دو خصوصیت سوره های اثباتی و موعظه ای وجود دارد در حالی که هرشفلد آن را در زمره سوره های اثباتی قرار داده است، در سوره حاقه آیات الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (حاقه/ ۱-۳) که بر موضوع قیامت اشاره دارند، در بخش سوره های موعظه ای، و آیات كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (حاقه/ ۴-۶) در بخش سوره های داستانی، و إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ لَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (حاقه/ ۴۰-۴۲) در بخش سوره های اثباتی، و آیه فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (حاقه/ ۵۲) در بخش سوره های تشریحی قرار می گیرد. بیانات هرشفلد به صورت ادعای محض مطرح شده و دسته بندی او منفتح و غیرقابل تداخل نیست. به سخن دیگر، بر فرض آنکه اصل مبنای او درست باشد، در مورد تمام سوره ها، جامع افراد و مانع اغیار نیست؛ هرشفلد سوره «تکویر» را در زمره سور موعظه ای دانسته است، محتویات و مضامین این سوره، شامل دو بخش است: نخست یادآوری روز رستاخیز و بیان نشانه های آن؛ سپس تأکید بر صدق گزارشها و تبلیغات پیامبر (ص) و نیز نفی جنون از حضرت؛ سنخ این گونه مطالب نیز تناسب بیشتر با سوره های اثباتی و اعتقادی دارد، اما هرشفلد این سوره را در زمره سور موعظه ای ذکر کرده است، همچنین می توان به سوره های انفطار و انشقاق اشاره کرد که موضوعات اثباتی و اعتقادی در آن ها قوی تر از موعظه ای است، اما هرشفلد آن ها را در زمره سوره های خطابی و موعظه ای قرار داده است.

### نتیجه گیری:

از مجموع مباحث پیش گفته نتایج زیر حاصل می شود:

- ۱- روش موضوعی به تنهایی در تاریخ گذاری سوره ها و آیات قرآن کریم کارساز نبوده و برای تاریخ گذاری قرآن باید از روش های نقلی و اجتهادی دیگر نیز کمک گرفت.
- ۲- بر روش موضوعی هرشفلد دو اشکال کبروی و صغروی وارد است توجّه نکردن به مبانی نقلی-روائی و بشری جلوه دادن قرآن از جمله اشکال های کبروی و پیروی نکردن تقسیمات از قواعد منطقی، تقطیع سوره ها بدون توجّه به رابطه ی لفظی و معنایی و تائیدیه روایی و جامع و مانع نبودن موضوع مطرح شده در یک سوره از مهمترین اشکال های صغروی هستند.
- ۳- تاریخ نزول بسیاری از سوره های قرآن نظیر انسان، زلزله، فاتحه، انفطار، انشقاق و مطفّفین در روش هرشفلد با تاریخ نزول ذکر شده بر اساس روش نقلی و روایت های ترتیب نزول در تضاد است.



## فهرست منابع:

### کتاب:

- ۱- آملی، عبدالله، *پیرامون وحی و رهبری*، بی جا، الزهراء، ۱۳۶۹ ش.
- ۲- ابن ضریس، ابو عبدالله محمد بن ایوب بجلي، *فضائل القرآن و ما نزل من القرآن بمکّه و ما انزل القرآن بالمدينه*، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
- ۳- اسکندرلو، محمد جواد، *مستشرقان و تاريخ گذاري*، قم، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ش.
- ۴- بازرگان، مهدی، *سیر تحول قرآن (ج ۱)*، به اهتمام سيد محمد مهدی جعفری، تهران، قلم، ۱۳۳۶ ش.
- ۵- حسکانی، عبدالله بن احمد، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، به تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- ۶- دروزه، محمد عزه، *التفسير الحديث على حسب ترتيب النزول*، قاهره، دارالاحياء الكتب العربيه، ۱۳۸۳ ق.
- ۷- زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان في علوم القرآن*، قاهره، دار احیاء الكتب العربيه، ۱۳۶۲ ق.
- ۸- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، *الاتقان في علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
- ۹- طباطبایی، سيد محمد حسین، *الميزان في تفسير القرآن*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۰- -----، *قرآن در اسلام*، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۵۳ ش.
- ۱۱- فارسی، جلال الدین، *پیامبری و انقلاب*، تهران، انتشارات امید، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۲- ملا حویش آل غازی، عبد القادر، *بیان المعانی على حسب ترتيب النزول*، دمشق، مطبعه الترقی، ۱۳۸۲ ق.
- ۱۳- نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۴- یعقوبی، احمد بن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.

### منابع لاتین

- Hirshfeld, hartwig, *new researches into the composition and exegesis of the quran*, London, royal aslatic, ۱۹۲۰.

### مقاله ها

- ۱۶- فائز، قاسم، «بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی»، فصلنامه مطالعات تفسیری، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۸، ص ۱۵۲-۱۲۷).
- ۱۷- اسکندرلو، محمد جواد، *نقدی بر تاریخ گذاری قرآن از دیدگاه برخی مستشرقان*، بهار ۱۳۸۴، شماره ۸۶، ص ۴۹-۳۳.

